

جایگاه غرب در نشریات اصفهان در مشروطه اول (۱۳۲۴-۱۳۲۷ هـ.ق)

شهاب شهیدانی^۱

سمیرا اسدیان فعلی^۲

چکیده

با آغاز روزنامه نگاری در ایران، اصفهان از جمله شهرهایی بود که قبل و بعد از مشروطه، نشریاتی در آن به چاپ رسید. با پیروزی انقلاب مشروطیت، روزنامه نگاری در اصفهان با نشر روزنامه‌ی "الجناب" حیات جدید و گسترده‌ی خود را در فضای آزاد آغاز کرد. در این زمان "غرب" نیز از موضوعات مورد توجه روزنامه نگاران بود که آنان صفحاتی را به این موضوع اختصاص می‌دادند. نکته‌ی مهم، تغییر دیدگاه نویسندگان به غرب بود. پس از گسترش روابط با اروپاییان که حیرت اولیه ناشی از نخستین دیدارها کاهش یافت، ایرانی‌ها غرب را صرفاً مظهر قدرت و فناوری نمی‌دانستند؛ بلکه آنان را استعمارگرانی یافتند؛ که چشم طمع به سرزمین آن‌ها دوخته است. این دیدگاه تازه نسبت به غرب، بسان دیدگاه حیرت انگیز اولیه در جراید، قابل تأمل و مشاهده است. آزادی محدود این مطبوعات در دوره مشروطه اول، باعث توجه مدیران به روزنامه نگاری و آزادی بیان در اروپا شد. پرداختن این جراید به سلطه اقتصادی غرب بر تجارت ایران و اصفهان و ارایه راه حل‌هایی برای مبارزه با آن از مطالب مهم منتشره بود. موضوع استعمار سیاسی غرب به ویژه قرارداد ۱۹۰۷م. به شدت مورد انتقاد مطبوعات اصفهان قرار گرفت. ارایه اطلاعات ناقص از آداب

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان. Sh.shahab@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی. s.asadiyan@hotmail.com

اجتماعی و آیین مذهبی غرب و معرفی چند اختراع قدیمی از جمله مطالبی است که در زمینه غرب و اروپا در نشریات این دوره ی اصفهان منتشر شد.

هدف از نگارش مقاله حاضر، بیان و تحلیل چگونگی معرفی غرب در نشریات اصفهان در دوره ی زمانی مشروطه ی اول (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه.ق) و با استناد به نشریات "الجناب، جهاد اکبر، انجمن مقدّس ملی اصفهان، فرج بعد از شدت و ناقور" می باشد.

کلید واژه ها: غرب، مشروطه اوّل، روزنامه، اصفهان.

مقدمه

غرب در آستانه قرن ۲۰ میلادی ضمن گذار از قرون وسطی در دوره های رنسانس و پس از آن برخی تحولات، از جمله انقلاب صنعتی و ظهور سرمایه داری را تجربه نمود. از پیامدهای این انقلاب، پیدایش استعمار و رویکرد آزمندانه دنیای جدید سرمایه داری به شرق و ایران بود. ایران، مقارن با این تحول عظیم در اروپا، سرزمینی با اقتصاد معیشتی، حکومت استبدادی و جامعه ای مملو از تنوع قبیله ای، زبانی و مذهبی و مهم تر، بی خبر از دنیای خارج و روابط حاکم بر آن بود.

تجاوز ارضی روس به ایران و آگاهی یافتن ایرانیان از ضعف نظامی خود و سعی در اصلاح آن، آغازی بر روابط ایران با اروپا بود. در پی آگاهی از پیشرفت های همه جانبه ی سرزمین های اروپایی، ایرانیان نیز به اصلاحاتی به ویژه در عرصه ی سیاست اقدام نمودند. تنویر افکار عمومی که بخشی از پیامدهای روابط ایران و غرب بود؛ موجب توجه مردم برای کسب حقوق و در نتیجه وقوع انقلاب مشروطیت گردید.

در همین دوران روزنامه و روزنامه نگاری به پیروی از غرب وارد ارتباطات اجتماعی و سیاسی ایران شد. روزنامه ها ضمن آن که اخبار غرب را منعکس می کردند؛ در برخی از رخدادهای سرنوشت ساز سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره

نیز نقش آفرین شدند. روزنامه نگاری تا زمان مشروطه به مرور رشد و گسترش یافته و در حال تکامل بود. برخی از شهرها از جمله اصفهان نیز به عرصه ی این ابزار ارتباطی نو ظهور وارد شدند. روزنامه های "فرهنگ" و "الاسلام"^۲ قبل از وقوع مشروطه، حیات خود را در اصفهان آغاز کرده و به پایان رسانده بودند. با پیروزی مشروطه، اصفهان نیز که تکاپوی مشروطه خواهی را از سر گذرانده بود؛ به عرصه ی دگرگونی و ایجاد مؤسسات جدید تمدنی از جمله روزنامه نگاری پا گذاشت و فعالیت مجدد روزنامه نگاری را با انتشار "الجناب" در سال ۱۳۲۴ هـ.ق آغاز نمود. اصفهان در دوران مشروطه اول (۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ هـ.ق) با نشریاتی چون: "الجناب با مدیریت میر سید علی جناب، "جهاد اکبر با مدیریت میرزا علی خراسانی"، "انجمن مقدس ملی اصفهان، با مدیریت سراج الدین صدر"، "فرج بعد از شدت با مدیریت میرزا محمدحسین مجلسی" و "ناقور با مدیریت میرزا مسیح توپسرکانی" و... قدم به عرصه ی روزنامه نگاری آزاد گذاشت. فضای سیاسی موجود، سبب انعکاس گسترده اخبار مشروطه خواهی و استبداد ستیزی جامعه در نشریات شد؛ اما این امر موجب غفلت روزنامه نگاران از توجه به اخبار سایر ملل نشد. به ویژه آنکه، روابط ایران با دنیای مرفعی گسترش یافته و بسیاری از ایرانیان و خوانندگان جراید بدنبال آگاهی از وضعیت جدید جهانی بودند.

در حیات روزنامه نگاری ایران آنچه بسیار مهم می نماید؛ میزان و نوع شناخت روزنامه نگاران ایرانی از غرب و چگونگی بازتاب آن در جراید بوده است. نکته ی مهم تر آن که، غالب این روزنامه نگاران از نزدیک، دنیای غرب را ندیده و تحولات آن را درک نکرده بودند. آنچه را که از غرب در جراید خود منعکس می نمودند؛ غالباً بر اساس ترجمه ی برخی از روزنامه های خارجی یا بر اساس شنیده های ایشان از

دنیای جدید بود. از این رو برداشت ایشان از غرب به نوع ایدئولوژی و عقاید آنها بستگی تام داشت.

باید گفت؛ در این پژوهش، منظور از غرب، محدوده‌ی جغرافیای معین با فرهنگ و تمدن موجود در آن است. چنین تعریفی از غرب به منظور رعایت دوره‌ی زمانی مورد تحقیق ارائه می‌شود؛ زیرا در آن زمان، دنیای غرب از این منظر شناخته می‌شد. در بررسی موضوعات تاریخی، اهتمام به بررسی مسائل از نگاه مردم همان دوره از تاریخ ضروری است. هر چند در تعریفی تازه و درست «غرب منحصراً منطقه-ای جغرافیایی نیست بلکه عالمی است که در تمدن و زندگی جدید امکان ظهور و تحقق یافته است» (داوری اردکانی، ۱۳۸۶: ص ۱۸) اما ناچاراً غرب را با تعریف متداول دوره‌ی تاریخی مورد بحث، مورد مطالعه قرار می‌دهیم و در این مقاله، غرب را از نگاه ایرانیان و مطبوعات دوره‌ی مشروطه‌ی اول در اصفهان بررسی می‌کنیم. ایرانیانی که به تدریج شناخت شان از سرزمین واحدی به نام "فرنگ" یا "ممالک اروپا" به سوی کشورهای مستقل سیاسی هم چون "اتریش، آلمان، ایتالیا، پرتغال و آمریکا" (محمدحسن خان اعتماد السلطنه، بی تا: ص ۱۰۹) سوق یافته بود.

تمدن غرب مقارن دوران قاجار دارای دو وجه بورژوازی و استعماری بود که به رغم داشتن ویژگی‌های متفاوت، دارای کارکرد مشابه و معطوف به سلطه‌ی همه جانبه بر جهان بود. در عصر مشروطه، همراه با افزایش شناخت ایرانیان از غرب، روزنامه نگاران با استفاده از فضای نسبتاً آزاد سیاسی موجود با صراحت از مسائل غرب با ایران در زمینه مناسبات سیاسی - اقتصادی و اهداف استعماری آنان، مطلب می‌نوشتند. روزنامه نگاران اصفهان نیز در این زمان با درک این دو وجه از تمدن غرب، مباحثی را در غرب شناسی مطرح می‌نمودند که شامل این موارد است:

۱- روزنامه نگاری ۲- نظام سیاسی و استعماری ۳- دین و مذهب ۴- علم و صنعت ۵- آگاهی های اجتماعی ۶- معرفی برخی از کشورها.

۱- توجه مطبوعات این دوره اصفهان به رویکرد روزنامه نگاری در غرب

به رغم آزادی ناشی از مشروطیت در ایران، اما روزنامه نگاران هنوز کاملاً از فضای آزاد موجود بهره مند نبودند و هم چنان با نوع جدیدی از کنترل، یعنی بازرسی بعد از انتشار مواجه بودند. از طرفی گاهی روزنامه نویسی و روزنامه خوانی در ایران مورد بی مهری نیز قرار می گرفت. یکی از جراید در این مورد نوشت: «یکی دیگر میگوید که روزنامه خواندن حرام است [اگر] مردم روزنامه می خوانند دیگر قرآن نمیخوانند ای بی انصاف بی فهم مگر روزنامه خلاف قرآن چیزی نوشته عوام از قرآن چه می فهمند همان معانی مواظ و نصایح قرآن است روزنامه نگار بیچاره می نویسد» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۱۸، ۲۶، ج ۱، ۱۳۲۵، ص ۱). روزنامه نگاران ایرانی در تقابل با سانسور و "آزادی فرمایشی" پس از مشروطیت و با هدف بهبود جایگاه جراید در ایران، با نگارش مطالبی از آزادی مطبوعات در غرب، تلویحاً از محدودیت موجود در روزنامه نگاری ایران انتقاد می کردند. در حقیقت آنان سعی در ترغیب وزارت انطباعات به اعطای آزادی بیشتر به نشریات ایران داشتند. در این موضع گیری یکی از جراید اصفهان، نشریات موجود در دنیا و عملکرد آن ها را به سه نوع تقسیم کرد: «جرایدی که در عالم نگاشته میشود سه نوعست یک قسم آنست که یک شخص صاحب غیرت و حسی وطن پرستی واقف به مواقف سیاست عالم... باین خدمت بزرگ اقدام میکند... و دقیقه از مراسم تکلیف خود را که بیداری اهالی بوده

باشد فرو نمیگذارد و در کمال آزادی و بی پروایی بدون ملاحظه شخصی حق و راست می نگارد... که اندازه تمدن و معارف انمملکت را بمندرجات آن جریده قارئین در هر سرزمین میفهمند... دوم... جرایدست که در زیر دست نافذین و مستبدین نوشته میشود... چون بعضی جراید روسی که فقط بر حسب پلتیک دولت متبوعه نوشته میشود و همیشه جریده ناظر است که خاطر مستبدین چه میطلبد همان را نشر کند قسم سوم آنهائست که نه سیاست را میفهمند چیست و نه انشا و ادیبه را میدانند کدام است... اینان [روزنامه را] وسیله مخصوص بجهت تحصیل معاش قرار میدهند...» (جهاد اکبر، سال دوم، ش ۹، صفر ۱۳۲۷، ص ۵).

خراسانی مدیر نشریه جهاد اکبر نقش مؤثر مطبوعات سیاسی اروپا را در طرح مسایل مربوط به پارلمان این گونه بیان می کند: «رسم جراید سیاسی اروپا اینست که هر مطلبی را که میخواهند پیشنهاد مجلس و پارلمان بنمایند و دولت خود را با آن خیال وا دارند یا بدو شروع به اظهار آنمطلب مینمایند یا باشاره کابینه وزراء آغاز زمزمه میکنند تا هم نظر سیاسیون داخله و خارجه را بطرف اهمیت مسئله مطروحه جلب نمایند و هم چشم و گوش سایر دول و مللرا پر کند و هم عقاید جراید پلتیکی داخله و خارجه را اکتشاف نمایند» (جهاد اکبر، سال دوم، ش ۹، صفر ۱۳۲۷، ص ۱).

مسأله مهم برای روزنامه نگاران ایرانی، قانونمندی روزنامه نگاری در اروپا بود. ایرانیان که با پیروزی انقلاب مشروطه در تکاپوی تدوین قانونی برای اداره مملکت بودند؛ از قانون مندی در امور اجتماعی و سیاسی و... غرب متحیر می شدند: «در ممالک متمدنه چنان که سایر ادوات دولتی و دوایر ملتی در تحت نظام و قانون هیچ کاربر غیر قانون اصلی اجرا نمیشود نگارش